فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶، پیاپی ۲۲
صفحات ۱۷۶-۱۶۵

# نقش مدیریت محلی در توسعه اقتصادی نواحی روستایی شهرستان بهشهر*

نصرالله مولائی هشجین**؛ استاد گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
تیمور آمار حاجی شیر کیا؛ دانشیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
عباس باقری؛ دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۸/۱۳ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۳/۲۶

## چکیده

با ایجاد نهاد دهیاری در سال ۱۳۷۷ به عنوان بازوی اجرایی شوراهای اسلامی در روستاها، شرح وظایفی با چهار محور به منظور تعیین نقش دهیاران در عرصه‌های روستایی پرداخته شد. یکی از زمینه‌های نقش‌آفرینی-ای که برای دهیاران در نظرگرفته شده، بسترسازی برای بهبود فضای کسب‌وکار و در نهایت، پیشرفت در اقتصاد نواحی روستایی بوده است. با توجه به اینکه از اساسی‌ترین مشکلات نقاط روستایی، ضعف فضای اقتصادی آن است و از طرف دیگر، در وظایف نهادهای محلی و مدیریت این سکونتگاه‌ها همچون دهیاری‌ها، تلاش برای پویاسازی اقتصاد روستا تعریف شده، در این تحقیق تلاش گردیده تا به ارزیابی عملکرد نهادهای مدیریت محلی در زمینه اقتصادی پرداخته شود. جامعه آماری این تحقیق ۷۲ نفر از دهیاران و رؤسای شوراهای اسلامی و ۳۷۰ نفراز سرپرستان خانوار روستایی روستاهای نمونه شهرستان بهشهر بوده است. روش گردآوری اطّلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی از طریق تکمیل پرسشنامه در قالب طیف لیکرت و سؤالات تحقیق از طریق نرم افزار SPSS و نقشه‌ها با استفاده از GIS مورد تحلیل قرار گرفته است، بنا به یافته‌ها، عناصر مدیریت محلی توانسته‌اند برای رشد در زمینه‌هایی مانند بهبود زندگی روستائیان، گسترش توسعه صنایع و حضور گردشگران در فضاهای روستایی، بسترسازی نمایند. در این میان، مدیریت محلی روستایی در ناحیه بهشهر، توفیقات چندانی در کاهش فقر در نواحی روستایی نداشته است.

واژگان کلیدی: مدیریت محلّی، اقتصاد فضای روستایی، توسعه اقتصادی، توسعه روستایی، شهرستان بهشهر.

*این مقاله مستخرج از رساله دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی با عنوان "تبیین جایگاه و نقش مدیریت محلی در توسعه روستاهای شهرستان بهشهر" بوده است.

**nmolaeih@iaurasht.ac.ir

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30 ]

## ۱) مقدمه

نقش و جایگاه روستاها در فرآیندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و پیامدهای توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزآینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری و حاشیه‌نشینی شهری موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری شده است (یاسوری و جوان،۱۳۹۴: ۲۰ به نقل از ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸). بدین‌سان، توسعه روستایی همواره دغدغه اندیشمندان و سیاست‌گذاران توسعه بوده است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۵). رسیدن به هدفی خطیر همچون توسعه روستایی در سرزمین، مستلزم پیمودن راه‌ها و به‌کارگیری ترفندها و تکنیک‌های متعددی است. از زمینه‌های بحث برانگیز در خصوص این امر مهم، که می‌توان آن را به عنوان شالوده و اساس جریان توسعه در فضاهای روستایی نیز تلقی نمود، موضوع «مدیریت محلی» برای صحنه‌گردانی عرصه‌ی سکونتگاهی در ابعاد فیزیکی و غیرفیزیکی است؛ به گونه‌ای که گفته شده، مدیریت محلّی در توسعه روستاها به شکل عام و در توسعه اقتصادی به صورت خاص دارای نقش اساسی است (امینی زارع، ۱۳۸۹ :۳۳).

بازنگری روند مدیریت روستاها در ایران طی مقاطع و دوره‌های مختلف، برخی از اندیشمندان و محققین را بدین نتیجه رسانده که مدیران روستایی غالباً دنباله‌گیر برنامه‌هایی بوده‌اند که از پایگاه نظری قوی در اندیشه‌های توسعه برخوردار نبوده و همواره فعالیت‌هایی هستند که زودبازده سطحی در عوض فعالیت‌های بنیادین دراز مدت بوده است. ثمره‌ی چنین رویکردی خصوصاً در ده‌های اخیر این شده که تعداد روستاها از ۱۲۰ هزار به ۶۵ هزار نقطه روستایی یا جمعیت روستانشین از ۷۰ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۸ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یابد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). در حقیقت، آنچه که به عنوان معضلات دامن‌گیر و جدی در کشور مطرح است اعم از بیکاری آشکار و پنهان، ایجاد مشکلات در نواحی شهری، گسترش شغل‌های کاذب، فشار بیش از حد برروی زمین، پایین بودن رفاه عمومی، گسترش فقر و پایین بودن شاخص‌های توسعه اقتصادی روستاها را می‌توان تاحد بسیار زیادی از آثار مستقیم و غیرمستقیم نحوه‌ی مدیریت فضاهای روستایی برشمرد (بسطام، ۱۳۸۳ :۳۰).

هم اکنون در کشور، ارکان محلی مدیریت روستایی شامل شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها است (بدری،۱۳۸۸: ۹۱). به لحاظ سابقه‌ی تاریخی این دو رکن مدیریتی روستاها می‌توان گفت که بعد از انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی قانون تشکیلات شوراهای اسلامی را به تصویب رساند و در سال ۱۳۷۷ اوّلین دوره‌ی انتخابات شوراها برگزار شد. در همین سال نیز طبق قانون به وزارت کشور اجازه داده شد تا برای اداره‌ی امور روستا، نهاد "دهیاری" تأسیس و شخصی تحت عنوان دهیار و با وظایف خاص، به‌عنوان بازوی اجرایی شورای اسلامی در روستاهای متقاضی دارای شرایط انتخاب شود (ریاحی و قدیری،۱۳۸۳: ۷).

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30 ]

دهیاران و دهیاری‌ها موظف به فعالیت در پنج حوزه‌ی "ستادی و اداری"، "اقتصادی و مالی"، "خدماتی، اجتماعی و سیاسی"، "بهداشتی و زیست‌محیطی" و "کالبدی و عمرانی" هستند. بنا به وظایف یاد شده، می-توان دریافت که دهیاری به عنوان یک رکن اساسی مدیریت محلی، دارای نقش و مأموریت برای کمک به توسعه اقتصادی فضاهای روستایی است. با توجه به اینکه مدیریت روستایی دارای نقش اساسی در فرآیند حصول توسعه روستایی است؛ از سوی دیگر، ناحیه بهشهر نیز به عنوان یک ناحیه‌ای با ظرفیت‌های بالای محیطی برای رونق بخشیدن به روستانشینی در جلگه‌ی خزر و دامنه‌ی شمالی البرز است که ارکان مدیریت روستایی، به ویژه نهاد دهیاری در آن، دارای سابقه‌ی فعالیتی قابل توجهی و گسترده‌ای است؛ در این تحقیق تلاش گردیده تا به ارزیابی نقش و عملکرد دهیاری‌های شهرستان بهشهر در زمینه‌ی اقتصادی روستاهای این ناحیه پرداخته شود.

## ۲) مبانی نظری

جامعه روستایی نه یک جامعه حاشیه‌ای در نظام اقتصادی، بلکه یکی از ارکان مهم در توسعه کشورها تعریف شده است (Higgins and Savoie,1997:89)؛ چراکه روستا از جهات گوناگونی دارای اهمیت است و به گونه‌ای که اقتصاد آن جزیی از اقتصاد ملّی است (رضوانی و همکاران،۱۳۸۳: ۴۵). از این رو به جهت اهمیت این سکونتگاه‌های انسانی، در کشورهای در حال توسعه، شناسایی و پرداختن به مسائل ساختار حکومت محلّی یک مسئلهٔ کلیدی است زیرا به دلیل جمعیّت‌های آسیب‌پذیر در نواحی روستایی، که اغلب قادر به تأمین سرویس‌های دسترسی ارائه شده توسط سطح بالاتری از دولت نیستند، تکیه بر جوامع محلّی برای تأمین نیازهای اساسی و رونق بخشیدن به ابعاد زندگی این بخش از جامعه، مقوله‌ای بنیادی است (فرهادی و زارع،۴۸:۱۳۸۹). بدین‌سان، حادث شدن توسعه در نواحی روستایی منوط به ساختار مدیریّت جامع و یکپارچه است (and Onwe,2008:56 Umebau). به عبارتی، جامعه روستایی به توسعه نمی‌رسد مگر اینکه اصول دقیق و منظم برنامه‌ریزی و مدیریّت همه‌جانبه در آن حاکم باشد (Sriram,2007: 12).

مدیریّت به معنای عام و مدیریّت روستایی به شکل خاص، از ارکان اصلی و جدانشدنی توسعه روستایی است (افتخاری،۱۳۸۹: ۱۹۴). در خصوص مدیریت تعاریف متعددی ارائه شده است؛ برخی معتقدند مدیریت یعنی سازماندهی و برنامه‌ریزی منابع. در جای دیگر، مدیریت را علم و هنر هماهنگی کوشش‌های اعضای سازمان و استفاده از منابع برای تبدیل به اهداف تعریف کرده‌اند (طالب،۱۳۷۵: ۱۱). عقیده‌ی هراپ، مدیریّت روستایی سازماندهی و هدایت اجتماعات روستایی با توجّه به نقش و کارکردهای موجودشان برای دست‌یابی به اهداف معین و نیازها است(Harrop,2001:9). امروزه مدیریّت، آغاز گسترش برنامه‌ریزی و هدایت جامعه به سمت توسعه است (Fortun.2007:8).

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30 ]

مدیریّت روستایی پیوند اقتصادی، اجتماعی و محیطی فرایندهای پایدار در روستاها را با خود به همراه دارد (Prof,2004: 2). مدیریّت روستایی به مفهوم مجموعه‌ای اعم از دولتی یا مردمی، فردی یا گروهی و در اشکال کلان و خرد است که به عنوان متولیّان امور مربوط به روستاها و عمدتاً در محورهای فوق به فعّالیّت می‌پردازند. گستردگی مفهوم مدیریّت روستایی علاوه بر اینکه مشکلات رسیدگی به امور مربوط به روستاها را بیان می‌کند، چگونگی مواجهۀ مطلوب با روستا و برنامه‌ریزی روستایی را برای کارشناسان و متخصّصین در محورهای یاد شده آشکار می‌سازد. یکی از نکات مهم در مفهوم مدیریّت روستایی، درک مناسب از روستا و توسعه اقتصادی روستاها است (قدیری‌معصوم،۱۳۸۲: ۲)؛ چرا که امر خطیری همچون توسعه یکپارچه روستایی منوط به حصول تغییراتی در زمینه‌های گوناگونی همچون افزایش تولید اقتصادی (سعیدی، ۱۳۷۷ : ۱۵۸) یا به بیان دیگر، بروز تحول برای توسعه اقتصادی روستا است (پاپلی‌یزدی وابراهیمی،۱۳۸۱ :۴۵).

موضوع مدیریت روستایی در ایران به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی برای نیل به توسعه روستایی، متأثر از راهبردهای کلان ملی و نیز رهیافت‌های موجود در زمینه‌ی مدیریت است و برای روستا و روستائیان که به گفته لمپتون اساس حیات اجتماعی ایران بر آنها استوار بوده، حائز اهمیت است. در ایران طیّ چند دهه‌ی گذشته و شاید در یکصد سال اخیر، گرۀ مدیریّت روستایی در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین و حسّاس‌ترین معضل و چالش برنامه‌ریزان و متخصّصین بوده است. روستاها در تمام ادوار گذشته همواره در چرخه توسعه‌ی کشور نقش سازنده‌ای داشته‌اند. به طور کلّی تا پیدایش نخستین نشانه‌های دولت مدرن در ایران و تأسیس نهاد قانونگذاری که به تعریف هویّت‌های حقوقی بپردازد، از مفهوم مدیریّت روستایی به مفهوم اداره‌ی امور عمومی اثری نبود و روستائیان به شیوه-ها و شکل‌های سنّتی، امور عمومی ده را اداره می‌کردند. دراین میان کدخدا نقش تعیین کننده‌ای داشت (بدری،۱۳۸۸: ۲۸).

نقاط روستایی و جوامع روستانشین در ایران از دیرباز همانند سایر جوامع انسانی دارای سلسله مراتب مدیریتی و نظام اجتماعی متناسب با اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده است. زیرا بدون نظم و نسق اجتماعی اصولا اداره‌ی هیچ یک از جوامع بشری و از جمله مناطق روستایی که پیوسته عهده‌دار تأمین خوراک، سرباز و آذوقه برای تدارک جنگ‌های طولانی در این کشور بوده، امکان پذیر نبوده است (حسینی ابری، ۱۳۸۰: ۸۷).

جنبش مشروطیّت دگرگونی‌های مختلفی را در کشور و به ویژه در جامعه روستایی موجب گردید. قانون کدخدایی که معنای داشتن وظایف وکارکردهایی برای انجام خدمات دولتی بوده، به تصویب مجلس رسید و آنرا در حد یک دایره حکومتی محسوب نمودند (طالب، ۱۳۷۱: ۶-۷). در این دوره، روستا به دلیل

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30 ]

نقش آن در تامین رأی برای مالکان و صاحبان قدرت، از بعد سیاسی جدیدی برخوردار گردید. با اجرای اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ که یکی از نتایج آن کاسته شدن اقتدار مالکان در روستاها و حضور نیروهای دولتی با عناوینی همچون سپاه دانش به دلیل اینکه دولت مرکزی تمامی برنامه‌ریزی‌ها، تصمیم-گیری‌ها و سازماندهی این تشکیلات را برعهده داشت، این تشکّل‌ها نتوانستند موفقیت‌های چندانی در توسعه‌ی و عمران روستاها داشته باشند (ابراهیم‌زاده،۱۳۷۷: ۵۴-۶۶).

در حال حاضر، با توجه به نقش اساسی‌ای که مدیریت می‌تواند در به ثمر رسیدن اهداف توسعه‌ای در روستاها نظیر هدف بهبود فضای اقتصادی روستاها داشته باشد، برای مدیران کنونی عرصه‌های روستایی در سطح محلی (دهیاران)، وظایفی به شرح زیر در زمینه‌ی اقتصادی برای آنان برشمرده شده است:

- شناسایی زمینه‌های اشتغال و مساعدت در جهت تأمین کار برای افراد جویای کار با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط.
- همکاری با مراجع ذی‌ربط در جهت تسهیل دسترسی مردم روستا به آرد و نان مرغوب.
- مراقبت و اهتمام کامل در نصب برگه قیمت برروی اجناس و نسبت به ارزانی و فراوانی خواروبار و مواد مورد احتیاج عمومی و جلوگیری از فروش اجناس فاسد شده و معدوم نمودن آن با هماهنگی مراجع قانونی ذی‌ربط.
- پیگیری و مساعدت در جهت ایجاد مؤسسات خیریه و صندوق‌های قرض الحسنه و مؤسسات فرهنگی.
- معرفی خانوارهای بی‌سرپرست و بی‌بضاعت به سازمان بهزیستی کشور و کمیته‌ی امداد امام خمینی.
- همکاری با شورای بخش و بخشداری به منظور بررسی و صدور پروانه‌های کسب.
- تهیّه‌ی تعرفه‌ی عوارض با همکاری شورا و ارائه‌ی آن به شورای اسلامی بخش.
- وصول عوارض مصوب مراجع قانونی و مصرف آن در موارد معیّن.
- تشویق و ترغیب روستاییان به توسعه‌ی صنایع دستی و اهتمام به ترویج و توسعه و بازاریابی محصولات کشاورزی روستا.
- کمک به شورا در خصوص بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی.
- تشویق و ترغیب روستاییان به انجام اقدامات لازم در جهت رعایت سیاست‌های دولت.
- همکاری مؤثّر با سازمان ثبت احوال در جهت ثبت موالید و متوفّیات و تهیّه‌ی آمار مربوط.
- همکاری با نیروی انتظامی و ارسال گزارش پیرامون وقوع جرایم و اجرای مقررات خدمت وظیفه‌ی عمومی،
- اعلام فرامین و قوانین دولتی مربوط و پیگیری حسن اجرای آن.

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30 ]

- مساعدت و همکاری با کشاورزان در جهت معرّفی محصولات کشاورزی و تولیدات صنعتی و صنایع دستی.
- همکاری با سازمان‌ها و نهادهای دولتی و ایجاد تسهیلات لازم برای ایفای وظایف آنها.
- جلوگیری از تکدّی‌گری و واداشتن متکدّیان به کار.
- همکاری با واحدهای امدادرسانی در هنگام وقوع حوادث و سوانح غیرمترقّبه و بلایای طبیعی.
- پیشنهاد نامگذاری معابر اماکن و تأسیسات روستا به شورا جهت بررسی و ارایه آنها به شورای اسلامی بخش.
- تنظیف و نگهداری و تسطیح معابر و انهار عمومی و مجاری آب و فاضلاب و لایروبی قنوات مربوط به روستا (اکبری وعبدالهی،۱۳۷۸: ۹۷) .

بررسی مطالعاتی که تاکنون در زمینه‌ی مدیریت روستایی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است نشان داد (جدول ۱) که به ارزیابی نقش آفرینی عناصر مدیریتی و مدیران محلی روستایی در حوزه-ی اقتصادی کمتر پرداخته شده و از این حیث، تحقیق پیش‌رو دارای وجه تمایز است.

**جدول شماره (۱): پیشینه تحقیق**

| محقق / سال | عنوان پژوهش |
|---|---|
| قدیری معصوم و وحید ریاحی (۱۳۸۳) | بررسی محورها و چالش‌های مدیریّت روستایی در ایران |
| افتخاری و همکاران (۱۳۸۶) | نگرشی نو به مدیریّت روستایی با تاکید برنهادهای تاثیرگذار |
| بدری (۱۳۹۰) | چالش‌های مدیریّت روستایی در ایران و ارائه سیاست‌های راهبردی |
| لگما[۱] (۲۰۰۲) | بررسی و تحلیل چالشهای مدیریّت روستایی |
| پراف[۲] (۲۰۰۴) | نقش فناوری اطّلاعاتی و سیستمهای مخابراتی در توسعه ی مدیریّت روستایی |
| سریرام[۳] (۲۰۰۷) | بررسی نقش آموزش مدیریّت روستایی در سطح هندوستان |
| ایرما[۴] (۲۰۰۷) | مدیریّت روستایی و ساختار آن در هند و اثرات مدیریّت پایدار |
| یومه بااو[۵] (۲۰۰۸) | بررسی و تحلیل توسعه ی مدیریّت روستایی و اثرات و پیامدهای آن |

## ۳) روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف و ماهیّت از نوع کاربردی و از نظر روش، توصیفی – تحلیلی است. برای جمع آوری اطّلاعات از دو روش کتابخانه ای (اسنادی) و میدانی (پیمایشی) استفاده شده است که در روش

[۱] Lgma
[۲] Prof
[۳] Sriram
[۴] Irma
[۵] Umebau

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30 ]

میدانی ابزار اصلی پرسشنامه (سؤالات از نوع طیف لیکرت یا درجه بندی، با تعداد پنج گزینه) بوده است. براساس سرشماری عمومی و نفوس مسکن سال ۱۳۹۰، شهرستان بهشهر دارای ۱۵۵۲۴۷ نفر جمعیت بوده است (مرکز آمار ایران،۱۳۹۰) که نزدیک به ۲۹ درصد آن در نقاط روستایی شهرستان سکونت داشته‌اند. این شهرستان دارای ۸۳ روستا بوده و از مجموع آن تعداد ۶۳ روستا فقط دارای شورای اسلامی، تعداد ۳۷ روستا دارای دهیار و شورای اسلامی، تعداد ۱۵روستا دارای نماینده‌ی بخشدار و تعداد ۳ روستا فاقد مدیریت رسمی و اداری بوده است. حجم نمونه از جامعه‌ی آماری گروه دهیاران و رئیس شوراهای اسلامی ۱۰۰ درصد و در جامعه‌ی آماری افراد بالای بیست سال با استفاده از فرمول کوکران، ۳۶۴ نفر که جهت دقت بیشتر ۳۷۰ نفر را به عنوان حجم نمونه تعیین گردیده است.

برای تحلیل متغیرهای تحقیق و بررسی نقش مدیریت محلی در توسعه اقتصادی روستا، متغیّرها را به دو دسته مستقل (احمدی ودیگران،۱۳۹۰: ۸۸) و وابسته (حافظ نیا،۱۳۷۹: ۳۵) دسته‌بندی گردید. در این پژوهش نقش مدیریت محلّی که دربرگیرنده شرح وظایف قانونی دهیاران به‌عنوان متغیر مستقل و توسعه اقصادی روستاها با شاخص‌هایی همچون ایجاد اشتغال، درآمد، توسعه صنایع، کاهش بیکاری، بهبود بهره‌وری، تخصیص بهینه منابع، جذب اعتبارات و تأمین رفاه به عنوان متغیّر وابسته در نظر گرفته شد. در این تحقیق با استفاده از نرم‌افزارSPSS و Excel به تحلیل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی، ترسیم جداول و انجام آزمون‌های Tتک نمونه‌ای، ضریب همبستگی اسپیرمن و آنالیز واریانس پرداخته شده است. به منظور اولویّت‌بندی مناطق روستایی از مدل TOPSIS و در تهیه و تنظیم نقشه‌ها از نرم-افزار Arc Gis استفاده شده است.

شهرستان بهشهر یکی از شهرستان‌های شرق استان مازندران است. این شهرستان از شمال به دریای خزر، از جنوب به استان سمنان، از شرق به شهرستان گلوگاه (شرقی‌ترین شهرستان استان مازندران) و از غرب به شهرستان نکا محدود می‌گردد. در فاصله‌ی یک کیلومتری خلیج گرگان، ۲ کیلومتری دریای مازندران، ۸۴کیلومتری شهر گرگان (مرکز استان گلستان) ۳۵ کیلومتری ساری (مرکز استان مازندران) و در فاصله‌ی۳۳۰ کیلومتری تهران واقع شده است. مساحت شهرستان بهشهر در حدود ۱۴۱۶/۲۷ کیلومترمربع و ارتفاع آن از سطح دریا از ۳ متر زیر سطح دریا تا ۲۷۰۰ متر بالای سطح دریا متغیر است. شهرستان بهشهر از نظر تقسیمات سیاسی دارای ۳ شهر (بهشهر،رستمکلا و خلیل‌شهر) و۸۳ نقطه‌ی روستایی در قالب ۲بخش و ۵ دهستان بوده است (سالنامه آماری استان مازندران، ۱۳۸۷: ۲۵). در جدول ۲، سیر تحولات جمعیت شهرستان و درصد روستانشینی و شهرنشینی آن نشان داد شده است.

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30 ]

**جدول شماره (۲): توزیع درصد جمعیت شهری و روستای شهرستان بهشهر طی سال‌های ۹۰-۱۳۳۵**

| سال | تعداد جمعیّت شهرستان | درصد جمعیت شهری | درصد جمعیت روستایی |
|---|---|---|---|
| ۱۳۳۵ | ۷۱۳۵۹ | ۲۲/۷ | ۷۷/۳ |
| ۱۳۴۵ | ۱۱۳۵۴۶ | ۴۰/۱ | ۵۹/۹ |
| ۱۳۵۵ | ۱۳۹۹۸۶ | ۴۲/۶ | ۵۷/۴ |
| ۱۳۶۵ | ۲۱۶۹۹۷ | ۴۵/۶ | ۵۴/۴ |
| ۱۳۷۵ | ۱۳۸۶۱۸ | ۵۶/۱۹ | ۴۳/۸۱ |
| ۱۳۸۵ | ۱۵۴۹۵۷ | ۶۷/۶۴ | ۳۲/۳۵ |
| ۱۳۹۰ | ۱۵۵۲۴۷ | ۷۱/۴۶ | ۲۸/۵۴ |

مآخذ : مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۹۰-۱۳۳۵.

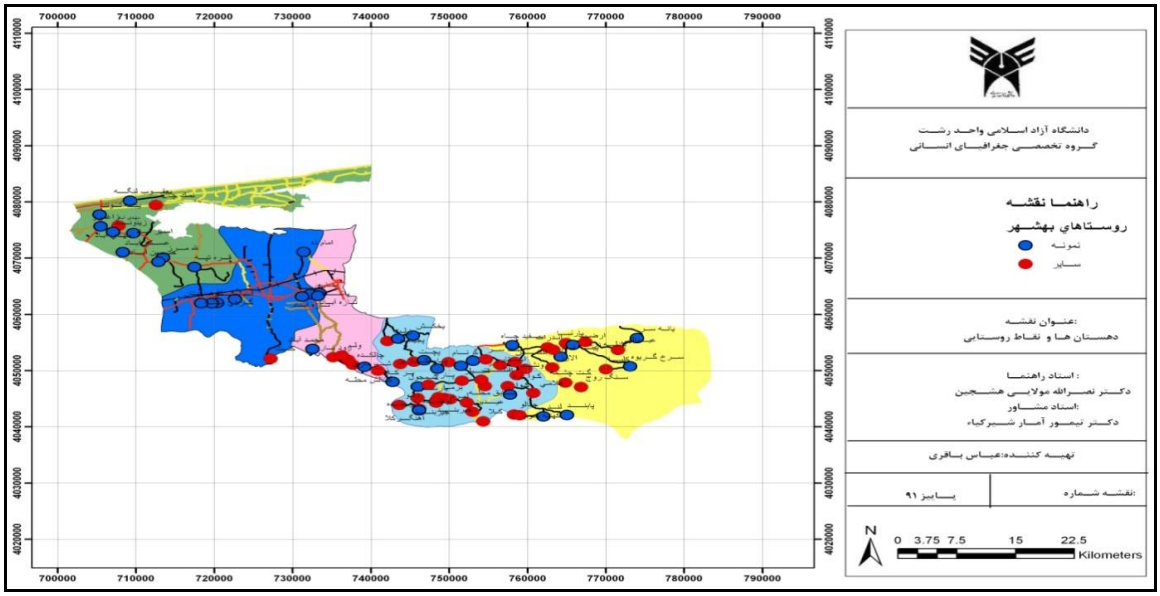


**شکل شماره (۱): توزیع روستاهای نمونه مورد مطالعه در سطح شهرستان بهشهر**

**جدول شماره (۳): شاخص‌ها و گویه‌های مورد بررسی روستاهای نمونه شهرستان بهشهر**

| شاخص‌ها | گویه‌ها | تعداد |
|---|---|---|
| کاهش فقر | بهبود درآمد خانوار،رفع سوء تغذیه،بازار یابی محصولات،معرّفی خانواده های نیازمند به کمیته امواد وبهزیستی ،نظارت برفروش کالاها ، ایجاد مؤسّسات خیریه ، صندوق های قرض الحسنه و مؤسّسات فرهنگی، بهبود کیفیت زندگی، مسافرت های خانوادگی،پس انداز بیشتر. | ۱۰ |
| گسترش فعالیت های غیر کشاورزی (توسعه صنایع) | رونق صنایع دستی،گسترش صنایع فرآوری فراورده های کشاورزی، توسعه صنایع کوچک(نجاری،چوب بری،درب وپنجره سازی)،ژئوتوریسم ،اگری توریسم. توسعه صنایع بومی محلی، توسعه کارگا های صنعتی و شهرکهای صنعتی. | ۸ |
| بهبود کیفیت زندگی | ارتقاء شاخص های زندگی، گسترش رفاه ،توزیع عادلانه منابع. روستا، مدیریت بحران، همکاری با نهاد ها وسازمان های مرتبط با روستا،نیروی انتظامی،ثبت احوال،تامین نیازهای ضروری، خوراک پوشاک مسکن. بهداشت و خانه بهداشت ،سطح سواد و تحصیلات و غیره | ۱۱ |
| گسترش فعالیت-های غیرکشاورزی (رونق گردشگری) | شناسایی عرصه های گردشگری،معرّفی ظرفیّت ها،جذب گردشگر، برجسته نمودن توان گردشگری،استفاده از فرصت ها، استفاده از سرمایه گذاران بومی و محلّی، استفاد از وامهای خود اشتغالی، حمایت سازمانهای ذیربط،توجه به منابع طبیعی و بومی در جذب گرد شگر، تشویق مردم به حمایت از گردشگران شهری و غیر شهری. | ۱۱ |

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30 ]

## ۴) یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق در حدود ۱۷درصد از پاسخگویان در گروه سنّی زیر ۲۰سال، ۳۴ درصد از پاسخگویان در گروه سنّی ۲۰تا ۳۹ سال و ۳۲ درصد در گروه سنّی ۴۰تا ۶۴ سال و ۱۶درصد در گروه سنّی بالای ۶۵ سال بوده‌اند که در جدول (۴) مشاهده می‌شود.

**جدول شماره (۴): توزیع ویژگی گروه‌های سنّی پاسخگویان**

| گروه‌های سنّی | تعداد | درصد | درصد تجمعی |
|---|---|---|---|
| زیر۲۰سال | ۷۷ | ۱۷/۴ | ۱۷/۴ |
| ۳۹-۲۰ | ۱۵۲ | ۳۴/۴ | ۵۱/۸ |
| ۶۴-۴۰ | ۱۴۳ | ۳۲/۲ | ۸۴/۰ |
| ۶۵+ | ۷۰ | ۱۶ | ۱۰۰ |
| مجموع | ۴۴۲ | ۱۰۰ | - |

منبع: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۰.

با توجه به مقایسه‌ی حد متوسط گویه‌های مورد ارزیابی (جدول ۵) در هر یک از شاخص‌های جامعه نمونه می‌توان استنباط نمود که کلیه‌ی مؤلّفه‌های (بهبود زندگی، توسعه صنایع و رونق گردشگری) بالاتر از حد متوسط بوده و این تغییرات به لحاظ آماری معنادار است. این در حالی است که عملکرد مدیریّت روستایی در روستاهای مورد مطالعه در کاهش فقر تأثیری چندانی نداشته است.

**جدول شماره (۵): سطح معناداری نقش مدیریت محلّی در توسعه اقتصادی روستاهای شهرستان بهشهر**

| شاخص | میانگین | حد متوسط گویه‌ها | T | سطح معناداری |
|---|---|---|---|---|
| کاهش فقر | ۳۱/۴ | ۲۰ | ۱۸/۷ | ۰/۱۲۱ |
| بهبود کیفیت زندگی | ۱۲۵/۹۶ | ۲۲ | ۳۲/۶ | ۰/۰۰۰ |
| توسعه صنایع | ۱۲۳/۸ | ۱۶ | ۲۷ | ۰/۰۰۰ |
| رونق گردشگری | ۱۲۴/۵ | ۲۲ | ۳۴ | ۰/۰۰۰ |

منبع: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۰.

نتایج تحقیق مندرج در جدول (۶) مبیّن آن است که از میان شاخص‌های تأثیرگذار بر نقش مدیریّت محلّی در بعد اقتصادی که از طریق روش رتبه‌بندیِ توانی انجام پذیرفته است، شاخص بهبود کیفیّت زندگی با رتبه‌ی (۱) و وزن استاندارد شده (۰/۳۶۷) بیشترین ارزش عددیِ وزنی را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی، شاخص‌های کاهش فقر، توسعه صنایع و رونق گردشگری قرار داشته است.

سطح‌بندی روستاهای مورد مطالعه در شهرستان بهشهر بر حسب میزان نقش مدیریت محلی در بهبود وضعیت اقتصاد روستاها به کمک تکنیک تاپسیس (جدول ۷) نشان داد به ترتیب در روستاهای

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30 ]

زاغمرز، امیرآباد، گرجی محلّه، التپّه و یکّه توت مدیریّت محلّی بیشترین نقش را در بهبود وضعیت اقتصادی روستاها داشته است. همچنین در روستاهای لوجنده، لند، پجیم، تازه آباد و غریب محلّه می‌توان شاهد کمترین نقش مدیریّت محلّی در بعد اقتصادی روستا بود.

**جدول شماره (۶): وزن دهی به شاخص ها**

| شاخص‌ها | بهبود کیفیّت زندگی | کاهش فقر | توسعه صنایع | رونق گردشگری |
|---|---|---|---|---|
| رتبه‌ی مستقیم | ۱ | ۲ | ۴ | ۳ |
| توان وزنی | ۲۵ | ۱۷ | ۹ | ۱۴ |
| وزن استاندارد شده | ۰/۳۶۷ | ۰/۲۵۰ | ۰/۱۷۲ | ۰/۲۰۵ |

منبع: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۰.

**جدول شماره (۷): سطح‌بندی روستاهای مورد مطالعه برحسب میزان نقش مدیریت محلی در بهبود وضعیت اقتصادی روستا با تکنیک تاپسیس**

| روستا | ضریبCI | اولویت | روستا | ضریبCI | اولویت |
|---|---|---|---|---|---|
| امیر آباد | ۰/۷۱۹۱۴۰ | ۲ | پارم | ۰/۰۲۳۸۱ | ۲۶ |
| حسین آباد | ۰/۳۹۸۱۲ | ۷ | بیشه بنه | ۰/۲۱۶۷۸ | ۱۶ |
| زاغمرز | ۰/۸۶۹۲۶ | ۱ | سمچول | ۰/۰۱۳۷۸ | ۲۷ |
| زینوند | ۰/۳۷۷۷۴ | ۸ | کوا | ۰/۰۱۳۵۴ | ۲۸ |
| عسکر آباد | ۰/۳۶۷۶۶ | ۹ | لوجنده | ۰/۰۰۰۱۸ | ۳۷ |
| قره تپّه | ۰/۲۲۶۹۴ | ۱۵ | متکازین | ۰/۰۲۶۲۹ | ۱۹ |
| لِله مرز | ۰/۲۹۷۳۴ | ۱۱ | کیاسر | ۰/۰۲۶۴۸ | ۱۸ |
| یعقوب لنگه | ۰/۰۲۴۰۰ | ۲۵ | ارضت | ۰/۱۲۶۶۳ | ۱۷ |
| یکّه توت | ۰/۴۶۸۳۷ | ۵ | پابند | ۰/۰۰۲۵۲ | ۳۱ |
| آسیابسر | ۰/۳۶۵۰۰ | ۱۰ | پیته نو | ۰/۰۲۵۸۲ | ۲۰ |
| التپه | ۰/۵۲۸۵۹ | ۴ | سفید چاه | ۰/۲۷۷۲۵ | ۱۳ |
| امام ده | ۰/۰۲۴۰۷ | ۲۴ | سرخ گریوه | ۰/۰۲۴۴۲ | ۲۳ |
| سارو | ۰/۰۲۵۷۰ | ۲۱ | یخکش | ۰/۰۲۵۲۱ | ۲۲ |
| شهید آباد | ۰/۲۴۷۰۱ | ۱۴ | پجیم | ۰/۰۰۰۸۸ | ۳۵ |
| کوهستان | ۰/۲۸۷۲۹ | ۱۲ | لند | ۰/۰۰۰۵۴ | ۳۶ |
| گرجی محلّه | ۰/۶۰۸۹۰ | ۳ | یانه سر | ۰/۰۰۲۲۴ | ۳۲ |
| پاسند | ۰/۴۵۸۱۸ | ۶ | محمّد آباد | ۰/۰۱۲۶۸ | ۳۰ |
| تازه آباد | ۰/۰۰۱۷۱ | ۳۴ | پرکلا | ۰/۰۱۲۹۶ | ۲۹ |
| غریب محلّه | ۰/۰۰۱۹۸ | ۳۳ | | | |

منبع: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۰.

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30 ]

## ۵) نتیجه‌گیری

دستیابی به توسعه در سکونتگاه‌های روستایی، وابسته به عوامل متعددی است که از مهم‌ترین آن، مدیریت محلی کارآمد است. از این رو، در کشور ما به دلیل اهمیت نقش عناصر و ارکان مدیریت روستایی (شوراها و دهیاری‌ها) در رسیدن به توسعه روستاها، وظایفی خصوصاً در بعد بنیادین اقتصادی، برای این ارکان تعریف شده است. ارزیابی نقش و عملکرد نهادهای مدیریتی در روستاهای نمونه‌ی شهرستان بهشهر این نتیجه را به دنبال داشت که در مجموع، عناصر مدیریت محلی توانسته‌اند برای رشد در زمینه-هایی مانند بهبود زندگی روستائیان، گسترش توسعه صنایع و حضور گردشگران در فضاهای روستایی، بسترسازی نمایند. در این میان، مدیریت محلی روستایی در ناحیه بهشهر، توفیقات چندانی در کاهش فقر نداشته است. این مسئله بنا به دلایلی همچون چندبعدی بودن موضوع فقر و محدود بودن سرمایه‌های در اختیار عناصر مدیریتی روستاها بوده است. تقویت نقش اقتصادی مدیران محلی در مولفه های اقتصادی روستاها، از طریق اجرای موارد زیر قابل ارتقا است.

- شناسایی استعدادهای بالقوّه افراد در منطقه و بالفعل نمودن آنها.
- ایجاد صندوق و یا مؤسّسات حمایتی شوراهای اسلامی در منطقه.
- بکارگیری مشارکت‌های فکری و ذهنی مردم و اجرایی کردن راهکارها و ایده‌های منطقی افراد به جای متداول شدن صرف مشارکت به صورت یدی و مالی و در نهایت دلسردی آنها از امر مشارکت.
- تدوین تفاهم‌نامه‌ای مشترک با نهادها و سازمان‌های درون روستا و خارج از روستا در زمینه‌ی هماهنگی و ساماندهی کلیه امور روستا.
- تامین منابع مالی پایدار در عرصه‌های روستایی.
- بکارگیری از توان و استعدادهای زنان در شوراها و دهیاری‌ها.
- جلب سرمایه‌داران خارج از روستا، بخصوص نهادهای غیر دولتی (Ngo )
- حمایت مالی، اعتباری و فکری دولت از مدیران محلّی تا زمان خروج آنها از مشکلات.
- آموزش و ارتقای مهارت‌های مدیران محلّی به نحوی که آنها قادر باشند برای توسعه‌ی روستا ظرفیت‌سازی کنند.

## ۶)منابع


- ابراهیم زاده، عیسی، ابوالفضل فراهانی و محمدرضا سرمدی، (۱۳۸۷)، **چگونه تحقیق کنیم**. انتشارات پیام نور.
- احمدی، علی‌اکبر، علی صالحی و محمدرضا فریدی، (۱۳۹۰)، **روش تحقیق در مدیریّت**، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- افتخاری، عبدالرضارکن‌الدین، (۱۳۹۰) **مدیریّت توسعه ی روستایی (بنیاد های نظری)**، انتشارات سمت.


[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30 ]

- افتخاری، عبدالرضا رکن الدین و اسماعیل زیارتی نصرآبادی، (۱۳۸۹)، **دهیاری ها واشتغال روستایی از منظر قوانین ومقررات**، مجله پژوهشی، آموزشی وترویجی دهیاری ها، مهر ۸۹، شماره۳۰، صص۳۴-۲۱.
- اکبری، صادق و مجید عبدالهی، (۱۳۷۸)، **مجموعه قوانین و مقررات ده و دهیاری، با آخرین اصلاحات و الحاقات**، انتشارات قلمستان هنر.
- امینی زارع، رامین، (۱۳۸۹)، **اشتغال زایی روستایی**، مجلّه دهیاری ها، سال ششم، شماره ۳۰، صص۱۲۳-۱۱۰
- بدری، سیدعلی و سید عارف موسوی، (۱۳۸۸)، **مدیریّت نوین روستایی**، انتشارات اشتیاق نور.
- بسطام، بهروز، (۱۳۸۳)، **آشنایی با مفاهیم اقتصاد روستایی**، مجلّه دهیاری ها، سال دوم، شماره۷، صص۴۰-۳۰.
- پاپلی یزدی، محمد حسین و محمد امیر ابراهیمی، (۱۳۸۱)، **نظریه‌های توسعه‌ی روستایی**، انتشارات سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۷۹)، **مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی**، انتشارات سمت.
- حسینی ابری، سید حسن، (۱۳۸۰)، **مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران**، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- رضوانی، محمدرضا، سیدعلی بدری، ذبیح‌الله ترابی و بهرام هاجری، (۱۳۹۵)، **شناسایی راهکارهای توسعه روستایی با استفاده از چارچوب مشارکتی SOAR -مورد: روستای میغان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۱۸، صص ۴۳-۲۷.
- رضوانی، محمد رضا، (۱۳۸۳) **مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه ی روستایی در ایران**، نشر قومس.
- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، **فرهنگ مفاهیم و اصطلاحات برنامه‌ریزی و توسعه‌ی روستایی**، انتشارات جهاد سازندگی دانشگاه تهران.
- سالنامه آماری استان مازندران، (۱۳۸۷)، معاونت برنامه‌ریزی استانداری مازندران.
- سعیدی، عباس، (۱۳۷۷)، **مبانی جغرافیای روستایی**، انتشارات سمت.
- طالب، مهدی، (۱۳۷۵)، **مدیریت روستایی در ایران**، انتشارات سمت.
- طالب، مهدی، (۱۳۷۱)، **مدیریّت روستایی در ایران**، انتشارات دانشگاه تهران.
- فرهادی،صامت و زهره زارع، (۱۳۸۹)، **نگرشی بر مدیریّت روستایی چین با رویکرد حکمروایی**. فصلنامه مسکن و محیط روستا. شماره ۱۳۲، صص۷۸-۶۲.
- قدیری معصوم، مجتبی و وحید ریاحی، (۱۳۸۳)، **بررسی محورها و چالش‌های مدیریّت روستایی در ایران**، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا، شماره ۵، صص۱۸-۱.
- یاسوری، مجید و فرهاد جوان، (۱۳۹۴)، **تحلیل محدودیت‌های تنوع‌بخشی اقتصاد روستایی-مورد: دهستان اشکور علیا**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۱۳، صص ۳۷-۱۹.
- Fortun, F. (2007). **American what Is Anengment**. Introdaction Manengment ppt.209-230
- Harrop,J. (2001 ).**Integrated Rural Managementplansproperty** Directorate.
- Higgins, B, D, and Savoie, J. (1997). **Regional Development,** Theoriesand Theirapplication..
- Prof. T.P.(2004). **Ict And E-Governance For Rural Development Center For Electronic Governance,** Indian Institute Of Management, Ahmedabad.p134
- Sriram,M,S. (2007) .**Rural Management Education In India: A Retrospect,** indappt345-378
- Umebau. E. E. and Onwe O. J. (2008). **Martha Oruku Rural Development And Management..** National Open University Of Nigeriaheadquarters.

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30 ]